

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نازنین و یامین
۱۵ جولای ۲۰۱۹

دفاع از رفرم یا رفرمیسم؟

در حاشیه «انقلاب در کشاکش فرصتها و رفرمیسم»



مقدمه

رامین بهاری مقاله‌اش را با این جمله می‌آغازد که «...برداشتن موشکافانه به مسائل مبرم چپ امروز ایران و هم-چنین واریسی مفهوم سوسیالیسم عملی و بازخوانی آن، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.» در همدلی و همنظری با این جمله، به «واریسی موشکافانه» نقطه نظر اصیلی این مطلب می‌پردازیم.

رفرم یا رفرمیسم؟

از عنوان مقاله «انقلاب در کشاکش فرصتها و رفرمیسم» تا استنتاج نویسنده («چپ مارکسی ... بهتر است به تلاش‌ها و نظریه‌های طبقه و اقشار دیگر جامعه به مثابه «فرصت» نگاه و اندیشه کند، نه این که بخواهد هر پراتیک یا رفرمی را تماماً نفی نماید...») چنین برداشت می‌شود که نویسنده دقت لازم را برای تمایز دادن «رفرم» از «رفرمیسم» به خرج نداده است.

«چپ مارکسی» نه تنها مخالف رفرم و فرصتهایی که در راستای پیشبرد مبارزه طبقاتی فراهم می‌کند، نیست بلکه رفرم را ابزاری برای نیل به هدف نهایی تعریف می‌کند. به عکس، همین چپ که رامین برای نمونه از نازنین و

یامین نام می‌برد. مخالف «رفرمیسم» است! در واقع رودرو قرارداد «رفرم» با «انقلاب»، نخستین بدعتی بود که ادوارد برنشتاین - یعنی بنیانگذار رویزیونیسم و چپ رفرمیست - گذاشت!
 رُزا لوکزامبورگ - در کتاب «رفرم یا انقلاب»ⁱⁱ (۱۹۰۰) - ضمن نقدِ مواضع رفرمیستی برنشتاین توضیح داد که الف) رفرم و انقلاب ابداً متضاد هم نیستند؛ بلکه رفرم ابزاری است که نیل به هدف نهایی (انقلاب) را هموار می‌کند ب) انقلابیون مخالف رفرم نیستند، بلکه مخالف رفرمیسم هستند ج) انقلاب، محصول رفرم نمی‌باشد. به علاوه تصریح کرد که رفرمیسم و انقلاب، دو راهکار مختلف برای رسیدن به هدف مشترک نیستند و نادرست است که انقلاب را رفرم مترکم شده و رفرم را، انقلاب درازمدت بنامیم! د) در نبرد برای رفرم و بهبود شرایط زیست و کار است که توده‌ها به تشکلات صنفی، اتحادیه‌ی و پارلمانی رومی‌آوردند. اما اینها برای از میان برداشتن روابط تولیدی کاپیتالیستی کفایت نمی‌کنند. هدف جنبش کارگری، سازمان دادن انقلاب به منظور تصرف قدرت سیاسی و برپائی نظام سوسیالیستی است.ⁱⁱⁱ

لنین توضیحات رُزا لوکزامبورگ را تکامل بخشید و خاطر نشان کرد:

«عقیدهٔ کاملاً غلطی خواهد بود که مبارزهٔ بلاواسطه برای انقلاب سوسیالیستی، اینطور معنی شود که ما می‌توانیم و یا باید مبارزه برای رفرم را رها کنیم. ابداً... اختلاف ما و رفرمیستها... این نیست که ما مخالف رفرم‌ها و آنها موافق‌شان هستند. اختلافاتمان از این جنس نیستند. آنها خودشان را به رفرمها محدود می‌کنند... و نتیجتاً به نقش «بیمارستانی که برای [تیمار] کاپیتالیسم ترتیب داده شده» تمکین می‌کنند... [اما] ما به کارگران می‌گوئیم: ... وظیفهٔ اصلی خود را این بدانید که به طور سیستماتیک، ایدهٔ انقلاب بلاواسطهٔ سوسیالیستی را گسترش دهید، برای چنین انقلابی آماده شوید و همهٔ عرصه‌های فعالیت حزبی را به گونهٔ رادیکال بازسازی کنید. شرایط دموکراسی بورژوائی، غالباً واداران می‌کند که موضع معینی در قبال انبوهی از رفرمهای کوچک و خرد اختیار کنیم، اما ما باید قادر به فراگیری و برگزیدن اینچنین مواضع [رادیکالی] در برابر این رفرمها باشیم...»^{iv}

یانیس وارفاکیس، یک رفرمیست؟

رامین در نقدِ مواضع مقالهٔ «چپ رفرمیست و الگوی اسکاندیناوی»^v می‌نویسد: «تحلیل فوق هرچند الگویی از نقد انقلابی به جریان رفرمیسم چپ است اما آیا چقدر توانسته واقعیت موجود از توازن نیروها و مبارزهٔ طبقاتی دنیای پیچیدهٔ امروز را در قضاوت خود لحاظ کند؟! آنجا که یانیس وارفاکیس «اقتصاددان سوسیالیست را در رکاب ... حزب سوسیال رفرمیست سیریزا» می‌داند. در حالی که محتوای کتاب مانیفست حزب کمونیست از نگاه «یانیس وارفاکیس»، اقتصاددان یونانی این چنین روزآمد و نکته‌سنج است...»

بعد هم نقل قول‌هایی از کتاب «مانیفست در قرن بیست و یکم»^{vi} (نوشتهٔ وارفاکیس) می‌آورد تا به استنتاجی که فوقاً عیناً نقل شد، برسد.

کسی که وقایع یونان را در دهه‌های اخیر دنبال کرده و با روند پاگیری حزب سیریزا و نحوهٔ قدرت‌گیری الکسی سیراس و انتخاب یانیس وارفاکیس به عنوان وزیر اقتصاد و... آشناست، از زاویهٔ سوسیالیسم انقلابی، نتیجه‌ای غیر از آنچه که در مقاله یادشده آمده، نمی‌گیرد.

حزب سیریزا با ژست چپ‌گرایی و با نقد سیاست‌های نئولیبرالیستی به میدان آمد و موفق شد تا در سال ۲۰۱۵ بیشترین کرسی‌های پارلمانی را تسخیر کند. اما کارنامهٔ این حزب - بعد از چهار سال چیست؟

ائتلاف با حزب دست راستی افراطی «یونانی‌های مستقل»، پشت کردن به نتایج همه‌پرسی و تصویب تفاهم‌نامه‌های ریاضتی که وقیح‌ترینش در ۱۳ جون ۲۰۱۵ بود؛ تحمیل ریاضت اقتصادی به اردوی کار یونان؛ پرداخت بدهی‌ها از صندوق‌های بازنشستگان، کارگران و هزینه‌های تأمین اجتماعی و ...

این اقدامات نه تنها هیچ «فرصت»ی برای ارتقای مبارزه طبقاتی فراهم نکرد بلکه یک «فرصت» طلایی را از اردوی کار یونان برای مقابله با کاپیتالیسم جهانی ربود!

اگر رامین هنوز ادعا دارد که مواضع رفرمیستی سیریزا یک «رفرم» و «یک فرصت» بود، جا دارد تا با یک «وارسی موشکافانه» ادعایش را مستدل نماید.

جولای ۲۰۱۹

- i این مطلب به قلم رامین بهاری است که در آزادی بیان درج شده است.
- ii [Rosa Luxemburg, Reform or Revolution](#)، لینک دسترسی به «[اصلاح یا انقلاب](#)»، ترجمه انتشارات سپاهکل. دو ترجمه دیگر هم از این کتاب در دست است ([لینک دسترسی](#) ۱ و [لینک دسترسی](#) ۲ متن خلاصه شده).
- iii به نقل از مقاله «رزای سرخ (۱)» نوشته کهن. [لینک دسترسی](#)
- iv Lenin, [Principles Involved in the War Issue](#)، ترجمه نازنین و یامین
- v نوشته نازنین و یامین. [لینک دسترسی](#)
- vi مانیفست در قرن بیست و یکم: یاننيس واروفاکيس ترجمه‌ی نرگس ایمانی. [لینک دسترسی](#)